

عاقبت وخیم عالم و رؤساء و سلاطین و حرب عمومی و سپس صلح

حضرت بهاء الله، حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



لوح رقم (179) امر و خلق - جلد 4

۱۷۹ - عاقبت وخیم عالم و رؤساء و سلاطین و حرب عمومی و سپس صلح

و راجع به عاقبت وخیم عالم و سلاطین جهان در سورة الملوک خطاب بعموم است قوله الاعلی : " و ان لم تستنصحو بما انصحناکم فی هذا الکتاب بلسان بدع مبین يأخذکم العذاب من کل الجهات و یأتیکم الله بعدله اذا لا تقدرون ان تقوموا معه و تكونن من العاجزین فارحموا الی انفسکم و انفس العباد ثم احکموا بینهم بما حکم الله فی لوح قدس ملیح الذی قدر فیہ مقادیر کل شیء و فصل فیہ من کل شیء تفصیلاً و ذکرى لعباده الموقنین "

و در لوحی است قوله الاعلی : " ان التمدن الذی یدکره علماء مصر الصنایع و العقل لو يتجاوز حد الاعتدال لتراه نقمة علی الناس کذلک یخبرکم الخبیر انه یصیر مبدء الفساد فی تجاوزه کما کان مبدء الاصلاح فی اعتداله تفکروا یا قوم و لا تكونوا من الهائمین سوف تحترق من ناره و ینطق لسان العظمة الملک لله العزیز الحمید "

و در کلمات فردوسیّه است قوله الاعلی : " بشنو ندای مظلوم را بصلح اکبر تمسک نمائید اسباب عجیبه و غریبه در ارض موجود ولکن از افتده و عقول مستور و آن اسبابی است که قادر است بر تبدیل ارض کلها و سمیت آن سبب هلاک "



ORIGINAL

و قوله الاعلی: " باری الامر عظیم عظیم زود است که انقلاب اکبر ظاهر فو نفسه الحق که تفصیل فرماید مابین کلّ "

و قوله الاعلی: " عالم منقلب و احدى سبب آنرا ندانسته بأساء و ضراء احاطه نموده ارض آرام نخواهد گرفت مگر بندای اسکنی ولكن نظر باس اساس سیاست الهی و اصول احکام ربّانی در القای کلمه توقف رفته و میرود "

و قوله الاعلی: " ک ضلع جناب حاجی جو علیها بهاء الله الابهی بنام دانای یگنایا ورقتی و یا امتی ذکرت در ساحت مظلوم مذکور و این لوح مبارک نازل تا چشمت بمشاهده آثار الهی روشن و قلبت بذکرش منور گردد عالم از برای عرفان مالک قدم خالق شده ولكن اهلش حجت الهی را انکار کردند و بر کفران نعمت قیام نمودند عنقریب آثار غضب اسم قهار روی زمین را اخذ نماید و مقتدرین را به سقر فرستد "

و قوله الاعلی: " اگر اهل ارض فی الجمله تفکر کنند ادراک می نمایند که مصلحت کلّ ظاهراً و باطناً توجه بحقّ جلّ جلاله بوده و هست غفلت عباد و اعمال باطله ایشان بصور بلایای مختلفه ظاهر شده و ارض را احاطه کرده نظر بما قدر من القلم الاعلی این جهان را نار حروب و دخان بلایا اخذ نموده و آن شعله در بلاد ایران مستور است و البته ستر را ظهور و بروزی از پی مگر بملاحظه نفوس مقدسه ثابت راسخه مطمئنه مستقیمه بلایای کبری و رزایای عظمی منع شود انه علی کلّ شیء قدیر لکن آنچه از قلم اعلی نازل اکثرش ظاهر و مشهود چنانچه اکثری دیده اند و ما بقی هم البته ظاهر و هویدا گردد "

و در اثری: " هو المقتدر علی ما یشاء بقوله کن فیکون انّ الخادم الفانی یصیح امام وجه العالم الی در فقره نزع دولتین اراده الله چنین تعلق گرفته بعد از وهن کلّی بدولت عثمانی سائر دول میان افتاده صلح بدهند و بعد از چندی حکومت روی ارض کلّ تغییر کند ظلم عالم را احاطه کند پس از انقلاب کلّی شمس عدل از افق غیب طالع شود کذلک نطق لسان صدق مبین "

و از حضرت عبدالبهاء نطقی در عکا ۳۰ مارچ ۱۹۱۵ است: " من آنچه باید بروم در جمیع اطراف و اکثاف فریاد بزم زدم در جمیع شهرها نداء بملکوت الله بیان کردم فریاد بظهور امر الله زدم حجت بر کلّ کامل شد و در تمام محافل ذکر کردم که تعالیم جمال مبارک این است صلح و سلام است وحدت عالم انسانی است روح و ریحان است و اگر این تعالیم جمال مبارک مجری نشود عالم در خطر است اروپا مثل قورخانه شده است منوط بیک شراره است خطر عظیم در پی است بشارات الهی بگوش جمیع رسید حال دیگر نوبت احباء است من باید قدری سکوت بکنم ایامی چند خاموش باشم این است که خدا این اسباب را فراهم آورده است حالا نوبت احباء است باید احباء ندا بملکوت الله بلند نمایند "

و قوله: " عبدالبهاء چهار سال سر گشته کوه و صحرا و گم گشته دشت و دریا بود و در جمیع ممالک غرب بشارت بظهور ملکوت الله داد ۴۰۰۰ و بجمیع توضیح نمود که اگر این تعالیم ترویج نگردد و امتثال نشود بلای عظیم در عقب است و جمیع ممالک اروپا نظیر جبه خانه است مملو از مواد ملتهبه بشرارهی شعله زند و همچنین یکسال و نیم پیش تحریری تصدیق یافت و بایران ارسال شد و آقا میرزا علی اکبر میلانی طبع نموده در جمیع ممالک انتشار داد صریحاً نگاشته شد که عالم در خطر عظیم است و آنچه الیوم واقع صریح آن نامه البته ملاحظه نموده اید با وجود این ناس متنبه نشده اند "

و قوله العزیز: " من در جمیع مجامع بصوت بلند فریاد میزدیم که ای قوم عالم انسانی در خطر عظیم است و اروپا مانند یک جبه خانه شده که منوط یک شراره است که شعله اش بفلک اثر رسد بیاید و شما نگذارید و محافظ انسانیت شوید شش هزار سال است انسان مبتلا بمرض تعصب دینی و جنسی و وطنی و سیاسی بوده دیدید که فائده بخشید حال بیاید و سیاست الهی یعنی سیاست محبت را اختیار کنید اگر نشد ممکن است بحالت اولیه رجوع نمود این چه کاری است اگر خدا انسانرا نمیخواست خلق نمیکرد و خوراک نمیداد تربیت نمیکرد پس خدا انسان را دوست میدارد آیا خوب است که ما سیاست انسان را انتخاب کنیم یا سیاست خدا دین باید مروّج تمدن و علم باشد و اگر نباشد عدمش بهتر از وجود است مثلاً اگر از نفس دوا مرض حاصل شود نخوردنش بهتر است تعصب جنسی چرا همه اولاد یک پدر و یک مادرند دیگر آنکه هر کسی در عالم وهم یک محلی را از برای خود گذارده خطّ وهمی برایش درست کرده که این وطن من است و آن وطن تو است تمام مثل سگهائی که یک طرف کوچه را ملک خود میدانند که اگر سگ دیگری آید فوراً هجوم مینمایند و وطن انسان زیر هزار من خاک است حیف نیست اینهمه خونها از برای خاک ریخته شود "

و قوله العزیز: " عبدالبهاء در کائس و محافل اروپ و امریک در اکثر مدن نعره زنان اعلان امر حضرت بهاء الله نمود و ندا بملکوت ابهی کرد و براهین لامعه اقامه نمود و دلایل ظاهره و حجت باهره اظهار کرد ابدأ از برای نفسی عذری ثماند بلکه بسیاری از خطابه ها در روزنامه ها اعلان بافاق شد با وجود این ناس در خواب غفلت گرفتار متمسک به مجاز و از حقیقت بیزار هنوز ناس در شہوات نفسانیہ منہمک بدرجہ ای که صور اسرافیل بیدار نماید البتہ این غفلت و کفران نعمت و عدم انتباه سبب حسرت و مشقت و جنگ و جدال و حصول خسران و وبال است و اگر اهل عالم توجّه باسم اعظم نمایند خطر عظیم در استقبال ولی در حق یاران امیدم چنان است که آثار لطف الهی ظاهر گردد امورشان از جمهور استثناء یابد "

و نیز از حضرت عبدالبهاء در سفر نامه امریکاست قوله العزیز: " الآن من چون نگاه میکنم می بینم جمیع دول و ملل شکست خورده و در بیابانها ریخته و پاشیده اند و امر الله قاهر و غالب و میمن بر کلّ است جمیع وقوعات آینده در نظر مظاهر مقدّسه ظاهر و عیان است ۴۰۰۰ اگر دول جمهوری امریکا جمعیت مینمودند در مسأله صلح متحد میشدند و جمیع به محافل لاهای رجوع می کردند سائر دول اروپا هم پیروی این افکار مینمودند اما از

جهتی دیگر اگر این جنگ عمومی در اروپا واقع شود زودتر صلح بین ملل تحقق یابد و همچنین باید این افکار صلح بین عموم منتشر شود و بعد مالیون از قرض دادن برای حرب و کمپانیهای راه آهن از حمل و نقل آلات حربیه و افراد لشکر از جنگ و خونریزی ابا و امتناع نمایند و همچنین حدود معین شود ترقیات مادهء اروپا بحدّ یقف می رسد هر امری که بحدّ یقف رسید لابد تدنی نماید امیدواریم که ترقیات روحانیه شامل حال آنها بشود و صیانت نماید این مدنیت جسمانیه بدون قوهء قویهء معنویه و مدنیت الهیه سبب راحت تمام و آسایش تامّ نشود مشکلات بیشتر شود و شدائد ازدیاد یابد تازه دولت امریکا پانزده میلیون دلار برای مصارف کشتی جنگی مهیا نموده و لابدّ بر این است که قبل از صلح عمومی جنگی عظیم واقع شود یکی از حرب عمومی بین دول سؤال نمود فرمودند لابدّ خواهد شد اما امریکا داخل نمیشود این جنگ در اروپا میشود شما یک گوشه ای را گرفته اید که کاری به مملکت دیگر ندارید نه بفکر گرفتن قطعات اروپ هستید زیرا که برای شما محیط اتلانتيک یک قطعهء طبیعی بسیار محکمی است و در سؤال و جواب در عمارت بیلاقی امریکا فرمودند اول علم صلح در اینجا بلند میشود یقین بدانید که این میشود چونکه انسان از مبادی نتیجه میگیرد و آن این است که اینجا صلح اول در میان خود ملت برقرار میشود و از اینجا سرایت باطراف خواهد نمود "

و در سفر نامهء اروپاست قوله العزیز: " عنقریب خواهید دید که تمدن اروپائیا نیز منجر بـجنگ عالمگیر و منتهی بانقلاب و هرج و مرج میشود "